

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله برج قربان همدان)

سیده مهسا احقر*، بهاره رادفر**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

تعاملات اجتماعی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فضاهای شهری موفق می‌باشد. محلات شهری به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات اولیه مردم ایفا می‌کنند. از اهمیت خاصی در ایجاد روابط اجتماعی برخوردارند. امروزه توسعه و برنامه‌ریزی بر مبنای محلات شهر در مرکز توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار دارد این امر مستلزم درک نیازها و خواسته‌های شهروندان از محیط زندگی‌شان است. در مقاله حاضر روابط اجتماعی میان ساکنان محله که با افراد بیرون از محله نیز در تماس هستند، موردتوجه قرار می‌گیرد. این مقاله میزان سطح تعامل اجتماعی بین ساکنین محله برج قربان را موردبررسی قرار می‌دهد و شاخص‌های میزان تعامل اجتماعی را برای این محله بازگو می‌کند. در ابتدا با انجام مطالعات میدانی بر روی نمونه موردی بافت اجتماعی و روابط میان ساکنان بررسی می‌شود. آزمون و بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از آماره استیودنت (t)، همبستگی و رگرسیون صورت گرفته و سپس با طرح‌ریزی مناسب سعی می‌شود تا فضای موردنیاز برای شکل گرفتن روابط و تعاملات اجتماعی در محله ارائه شود.

واژگان کلیدی

تعاملات اجتماعی، فضاهای شهری، روابط اجتماعی، محلات شهری

Email: m_ahghar@yahoo.com

Email: ba.radfar@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

مقدمه

انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش ناپهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود. از این نظر، استفاده و تخصیص فضاهای عمومی مسئله‌ای است که باید در مطالعات زندگی روزانه کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد. در دیدگاه صاحب‌نظران، فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی باز و قابل‌دسترس تعریف می‌شوند.

بدین خاطر که محله پس از خانه مکانی است که فرد، بیشترین برخورد و رفت‌وآمد را در سطح آن دارد، فضاهای عمومی عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در میان ساکنان آن است. از آنجاکه در گذشته محلات نقش گسترده و عمده‌ای در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی ایفا می‌کردند؛ لذا با خلق مجموعه‌ای متمرکز از عملکردهای خدمات شهری همساز و یا مکمل یکدیگر می‌توان به‌وسیله جذابیت‌های عرصه جمعی آن، مردم را به سمت فضا سوق داد در این صورت با مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان، در نهایت تصمیم‌گیری‌های محله به خود آن‌ها واگذار شده تا همراه با تقویت کنش و تعاملات اجتماعی، احساس تعلق بیشتری به محله خود پیدا کنند.

در این تحقیق، محله برج قربان واقع در جنوب شرقی شهر همدان انتخاب شده است. از ویژگی‌های این محله دارا بودن بافت سنتی می‌باشد که مرکز محله قدیم آن همچنان نقش خود را به‌عنوان مرکز خدمات‌رسانی ایفا می‌کند. ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی به‌جای مانده از گذشته‌های دور از یک‌سو و قرارگیری این محله در مجاورت سایت گردشگری برج قربان از سوی دیگر، سبب بروز و ظهور الگوهای رفتاری متمایز در رفتارهای اجتماعی شده است. این ویژگی‌های منحصربه‌فرد، محله برج قربان را گزینه‌ی مناسبی جهت بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقاء تعاملات اجتماعی تشکیل داده است. نهایتاً سعی بر آن بوده تا با در نظر گرفتن نظرات ساکنان با پرسشنامه‌ای که بر مبنای مبانی نظری تحقیق، طرح و ساخته شد، خواسته‌های ساکنین را در ارتباط با نقش بناهای عمومی، ساماندهی مرکز محله و فضای باز آن مدنظر قرار داده و عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی را شناسایی کنیم.

پیشینه تحقیق

رفعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. الیاس زاده مقدم و ضابطیان (۱۳۸۹) به بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی - شهری دارد. در مطالعاتی در زمینه سوتای شمالی که برای سنجش کیفیت محیط‌های مسکونی انجام شده است، سه مؤلفه حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. قنبران و جعفری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ارتقا تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی به سنجش این عوامل در محله درکه تهران پرداختند. کاشانی جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، این فضاها را به‌عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی - رفتاری فضاهای شهری و در دوران اخیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست‌محیطی - پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. معمار (۱۳۹۰) در مقاله تحت عنوان تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای به تحلیل این عوامل در محلات مسکونی شهر اصفهان می‌پردازد.

فرضیات

- ۱- تعامل اجتماعی در این محله در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.
- ۲- وضعیت امکانات رفاهی در سطح مناسبی قرار ندارد.
- ۳- بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- امکانات رفاهی توان افزایش تعامل اجتماعی ساکنین را دارند.

اهداف

۱. شناسایی عوامل مؤثر برافزایش تعاملات اجتماعی؛
۲. سنجش سطح تعامل بین ساکنین و موانع تعامل اجتماعی بین افراد؛
۳. بررسی رضایت ساکنین از امکانات در سطح محله به‌عنوان یک محله تاریخی؛

سؤالات

۱. میزان تعامل اجتماعی در محله در چه سطحی است و چه موانعی برای تعامل اجتماعی بیشتر بر سر راه شهروندان محله وجود دارد؟
۲. عوامل بر مؤثر تعامل اجتماعی چیست؟
۳. میزان رضایت ساکنین از امکانات محله تا چه اندازه می‌باشد؟

مبانی نظری

تعاملات و ارتباطات اجتماعی

کارهای عادی زندگی روزانه که انسان را درکنش متقابل چهره به چهره و کم‌وبیش دائمی با دیگران درگیر می‌کند، قسمت اعظم فعالیت‌های اجتماعی او را تشکیل می‌دهند. در حیطه روابط اجتماعی است که فرد خود را نه تنها در مقابل افراد دیگر، بلکه در سیطره روابط میان این افراد می‌آزماید و دائماً در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد.

تعاملات اجتماعی ساکنان در محلات مسکونی: تعاملات همسایه‌ها می‌تواند میزان رفتارهای اجتماعی انجام‌شده توسط ساکنین محله تعریف شود. این تعاملات می‌تواند رسمی و باقاعده و گاه بیگانه و غیررسمی و اتفاقی رخ دهد. نیاز برای تعامل با دیگران یک امر طبیعی و ضروری برای یک زندگی سالم است (غفوریان و حصار، ۱۳۹۳). فضاهای عمومی شهری به دلیل وجود یک یا چند ویژگی کالبدی و فضایی، برای ایجاد مناسبات چهره به چهره، تجربه مشترک فضا، رابطه انسانی با کالبد شهری و برگزاری فعالیت‌های جمعی و عمومی شهروندان مناسب و کارآمدند. شرط لازم برای شکل‌گیری یک فضای عمومی شهری، کالبد مناسب است؛ اما شرط کافی به مجموعه‌ای از شرایط و مناسبات پیچیده انسانی، رفتارها و عوامل روانی بستگی دارد که شناسایی آن‌ها بسیار دشوار است (مسعودی، ۱۳۸۷). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار محیط محله و طراحی فیزیکی آن می‌تواند در بهبود این روابط مؤثر باشد. البته این نکته شایان ذکر است که مدت‌زمان سکونت رابطه مستقیم و مثبتی با درجه تعاملات و پیوستگی اجتماعی دارد؛ زیرا مدت ماندگاری در یک همسایگی باعث می‌شود تا فرصت بیشتری برای آشنایی ساکنین با یکدیگر و بالا رفتن درجه تعامل اجتماعی آن‌ها داشته باشد (غفوریان و حصار، ۱۳۹۳).

جایگاه تعاملات اجتماعی: سکونت‌گاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری و بازارها به‌عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل‌وانفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان می‌ساختند قلمداد می‌شده‌اند. علاوه بر این، این فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک می‌کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعلانه هستند با تفکیک قائل شدن بین فضاهای عمومی و فضای شهری تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به‌عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند.

در مطالعه‌ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند این عوامل عبا تند از دسترسی و به‌هم‌پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع‌پذیری (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳). همچنین حنا آرن‌ت فضا را در

دو معنا فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست و همین‌طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیا در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به‌واسطه اشیا شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنه درباره فضای عمومی آمده است. پاول زوکر میدان حوزه عمومی را عامل تبدیل جامعه به اجتماع و نه صرفاً محل تجمعی از افراد می‌داند. جین جیکوبز پیاده‌روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی می‌داند و ویلیام وایت بر نقش اجتماعی فضاهای شهری تأکید می‌کند. یان گل فعالیت‌های قیل انجام در فضاهای شهری را به سه دسته ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می‌کند که از این میان نقش دسته‌های دوم به و به‌ویژه سوم را در کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری ممتاز می‌داند. اولدنبیگ عرصه‌های عمومی شهرها را به‌عنوان مکان سوم (خانه و محل کار را مکان اول و دوم می‌داند) تعریف می‌کند. کلا کوپر مارکوس فضاهای شهری را در هفت سطح معرفی می‌کند تأکید اصلی وی فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند می‌باشند. در کتاب مکان‌های مردمی او و همکارانش به ارزیابی محیط سکونت می‌پردازند و فضاهای شهری را به‌ویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در هفت گروه دسته‌بندی می‌کنند: پلازاهای شهری، پارک محله‌ای (واحد همسایگی)، پارک‌های جمع‌وجور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمندان، فضای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی. این رویکرد مرتبط با تقویت تعاملات اجتماعی مربوط به دوره دوم از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی می‌باشد که پیش‌تر به آن اشاره شد (کاشانی جو، ۱۳۸۹).

بدون تردید محله به‌عنوان یکی از عرصه‌های فضاهای شهری قابلیت تولید بستر مناسب جهت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را دارا می‌باشد. محله تبلور کالبدی اجتماع و مرزهای آن تبلور حریم‌ها و قلمروهاست توجه به بعد اجتماعی محله، قلمروهای اجتماعی و غیر کالبدی و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مرزهای قلمروی اجتماعی را هرچه بیشتر مهیا سازد می‌تواند به سازمان‌دهی بیشتر کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی منجر شود. احیای مراکز محله‌ای با هویت از نیازهای اجتماعی یک شهر است و برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص‌های امنیتی، دسترسی نظارت و برگزاری مراسم مذهبی-ملی و باستانی با ماهیت جمعی در فضاهای عمومی در کنار احداث فرهنگسراها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها را دارا باشد (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳).

عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی: افراد بر اساس منافع خود ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات هنجارها و نقش‌های معین خود به آن می‌پردازند؛ بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است در این راستا حتی ممکن است افراد در جست‌وجوی مکان‌هایی که در آن افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند بشناسند؛ اما بآنکه همگن بودن افراد مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است. درعین‌حال مکان‌های اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. درواقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از انعقاد اولیه تعامل اجتماعی تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتار متنوع است، خود زمین ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد.

حوزه عمومی فضایی است که در آن فرد به بیان خویش در ارتباط با دیگری می‌پردازد. ویژگی این حوزه جمع شدن اشخاص خصوصی گرد هم و بحث در مورد علایق عمومی است؛ لذا این پدیده اجتماعی بایستی در دسترس تمام شهروندان باشد (مسعودی، ۱۳۸۷). Gehl (۲۰۰۳) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم و مشارکت آنان می‌داند. لنارد (۱۹۸۴) دو عامل کالبدی و پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار در حضور و تعامل اجتماعی افراد می‌داند که در ارتقاء حس تعلق به مکان نیز مؤثر است. دانشپور به شناخت فضا و ابعاد مختلف فضای عمومی پرداخته بهره‌گیری از توان‌های اجتماعی آن و ارتقاء فرصت‌های مشارکت در حیات جمعی را در خلق یک فضای عمومی موفق مؤثر می‌داند. Kaplan (۱۹۹۸) کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌شود. Whyte (۱۹۸۰) عوامل تأثیرگذار در ارتقا جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل می‌داند. پاکزاد تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسب، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه مصالح، محصوریت، بدنه‌ها، پیوستگی کالبدی و فضایی را بر ادراک انسان مؤثر می‌داند. pps که نهادی است که برنامه‌ریزی برای فضاهای عمومی را موردتحقیق قرار می‌دهد فرصت‌های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر

در فضا، فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل ایستگاه اتوبوس، زمین بازی، مکان غذا خوردن و... ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی‌شناسانه آن‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده، تعریف بدنه‌ها و هویت جداره‌ها، ارتباط با سیستم حمل‌ونقل شهری و پیش‌بینی فعالیت‌های جاذب را از عوامل مؤثر در پاسخگویی فضاهای عمومی به نحو مطلوب می‌داند. تأمین نیز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهری بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. جو آرام وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل وسایل نقلیه از آنجاکه تأمین‌کننده نیاز انسان به استراحت داشتن می‌باشند، مؤثرند. نیاز انسان مبتنی بر تماس مستقیم با محیط بیانگر تجربه مستقیم فضا، مردم و فعالیت‌های اجتماعی چون تعامل با آشنایان، گردهمایی، قدم زدن، بازی، تفریح و در کنار آن ورزش، فعالیت‌های جسمی، امکان رقابت و... می‌باشد که در ایجاد تصویر ذهنی مطلوب افراد از رفا، پویایی و هیجان، کسب تجارب جدید و آموزش محیطی، نقش مستقیم دارد. از دیگر نیازها فراهم بودن امکان مشاهده و نظارت دیگران و اتفاقات و رویدادهای پیرامون که یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان پاسخگو بودن فضاست در کنار آن نیاز انسان به پیچیدگی و امکان کشف فضا می‌تواند توسط خلق فضاها و منظرهای متنوع، فعالیت‌های گوناگون باهدف تأمین تنوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان از فضا به وجود آید، نیاز به امنیت با عواملی چون رؤیت پذیری فضا امکان ادراک محیط، ایجاد تصور از مکان و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه مکان و نهایتاً کنترل مکان با استفاده از اشکال مختلف مکانیکی و طبیعی قابل تأمین است (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳).

آموس راپاپورت از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهم‌ترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می‌داند. جان لنگ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تأثیرگذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرح‌واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشد (کاشانی جو، ۱۳۸۹). لنگ در کتاب آفرینش‌های نظری می‌گوید که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می‌کنند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعامل اجتماعی است؛ لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند کریستوفر الکساندر ملاقات گاه‌به‌گاه و غیررسمی را زمینه توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم دانسته است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد را با پیشینه ذهنی و ویژگی‌های متفاوت به یکدیگر نزدیک می‌کند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳).

نیازهای اجتماعی اجتماع محلی

نیاز به ایمنی و امنیت: در توسعه محله‌ای نیز امنیت رکن اساسی است. نظام بخشی در مناسبات محله‌ای و سازمان‌دهی امکانات جهت بهره‌گیری جمعی برای استفاده همگان نیازمند تأمین امنیت درونی محله‌های شهری است. مراد از امنیت اجتماعی این است که هر فردی در محل زندگی خود و اجتماع محلی احساس آرامش و آسایش کند و با اطمینان خاطر و به‌دوراز نگرانی مشغول زندگی خود باشد. وجود امنیت در محله موجب حفظ حریم زندگی خانوادگی و رهایی از خطرات و تهدیدهایی است که ساکنان محلات را تهدید می‌کند و زمینه برخورداری از فرصت‌ها و امکانات محله‌ای به شکل منطقی و صحیح را فراهم می‌کند (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به تعاملات اجتماعی: زندگی سرزنده و پویا در سطح اجتماع محلی، به میزان و شدت روابط اجتماعی میان ساکنان بستگی دارد. همخوانی و هم‌آوایی میان اهالی بر میزان ارضای نیازهای روانی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. الکساندر بر این عقیده است که روابط صمیمانه احساس اجتماع محلی را افزایش می‌دهد. چنین روابطی دو شرط لازم دارد، نخست تماس در سطح غیررسمی برقرار شود، دوم این روابط به‌طور مداوم تکرار شود و به‌صورت روزانه انجام گیرد. اجتماع محلی فرصتی برای برخوردهای اجتماعی غیررسمی، گفتگو و تعامل میان ساکنان است (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به تعلق به محله (هویت محله‌ای): احساس تعلق به محله عنصر اصلی شکل بخشی به اجتماع محله‌ای است. هویت محله‌ای به معنای احساس تعلق به یک مای مشترک است. این ما می‌تواند محله، موقعیت، مذهب و غیره باشد. محله یک اجتماع همسایگی است. در اجتماع دو خصلت پیوند و رابطه عاطفی نقش عمده دارند. شناخت پیوندهای میان افراد در اجتماع همسایگی از

جمله ابعادی است که باید به آن توجه خاص داشت. از این رو، توجه به مفهوم همسایگی یکی از راه کارهای پاسخ گویی به نیاز به وابستگی و تعلق است. در این بعد، به سؤالاتی چون آیا افراد یک محله نسبت به یکدیگر احساس تعلق و تعهد دارند مطرح می شود. احساس تعلق به محله بر رفتار و نگرش ساکنان تأثیر دارد. جامعه شناسان معمولاً برای سنجش احساس هویت محله ای از شاخص های زیر مدد می گیرند: مردم چقدر درباره محله شان اطلاعات دارند؟ مرزهای محله کدام است؟ نام محله چیست؟ اعضای محله چه احساسی درباره مکان زندگی شان دارند؟ آیا از خدمات محله راضی هستند؟

ایجاد حس هویت محله ای با به کارگیری عوامل هویت دهنده و ایجاد علاقه در بین ساکنان جدید نسبت به محله، استفاده از عوامل وحدت بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه، تأمین فضاهای مناسب جهت برگزاری اجتماعات و ایجاد نزدیکی و پیوند بین اهالی در قالب فضاهای باز محله ای می تواند ذیل برنامه های بازسازی محلات قرار گیرد. طراحی برای ساکنان محله در جهت رؤیت در فضا و قابلیت انعطاف بافت محله در مقابل تغییرات آینده نقش مهمی در ایجاد هویت محله ای دارد. مجموعه های باز و قابل دسترسی و دارای پیوند با مجموعه های دیگر مانند فضاهای آموزشی، ورزشی، تفریحی، مذهبی و فرهنگی در مقیاس محلی هویت بخشی به محله را تسهیل می کند. از سوی دیگر، وحدت ظاهری و یکپارچگی و انسجام در بافت و ساختار کلی محلات، انسجام اجتماعی در محله را فراهم می کند (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به مشارکت در اداره محله: نیاز به احترام و خود شکوفایی در سطح اجتماعی محله از طریق مشارکت فعال مردم برآورده می شود. مشارکت مردم در امور محلی متأثر از نیاز آنان به تعلق و احترام و خود شکوفایی است. انسان خود شکوفا سعی در تغییر قابلیت های محیطی برای رفع نیازهای خویش دارد و از نظر اجتماعی روحیه ای مسئولیت پذیر دارد. از این رو، مردم هر اجتماع محلی می توانند با مشارکت یکدیگر در سطوح مختلف نیازهای خویش را برطرف کنند.

در سطح اجتماعی، توسعه محله ای نیازمند ملاقات عمومی مردم و مسئولان و پژوهش در مورد مسائل آن ها از طریق مشاوران و درخواست از آنان جهت مشارکت در برنامه ریزی و طراحی است.

تداوم و بقای محله بر مبنای مشارکت داوطلبانه و خودیارانه ساکنان در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی محله امکان پذیر است. این مشارکت نیازمند اقدامات فعال شهروندان و مشارکت داوطلبانه مردم برای حل مشکلات محله به صورت جمعی و ارتباط مستمر و پیگیر آن ها با سازمان ها و نهادهای دولتی است.

مشارکت اجتماعی ساکنان برای حل مسائل محلات و نوع واکنش به آن دارای اهمیت است. در کشورهای پیشرفته یکی از نهادهایی که معمولاً در محله ها وجود دارند انجمن های داوطلبانه است. انجمن های داوطلبانه سازمان هایی هستند که افراد به آسانی و به صورت اختیاری و آگاهانه به آن ها می پیوندند. برخی از انجمن ها دارای دفاتر رسمی، انتخابات، قوانین، گردهمایی ها، خزانه داری و غیره هستند. این دسته از انجمن ها می کوشند شرایط مناطق مسکونی شان را از طریق تسریع روند نوسازی ساختمان های قدیمی تر یا اعمال نفوذ در بانک ها و سازمان های مالی که در منطقه مسکونی آن ها سرمایه گذاری می کنند، بهبود بخشند. بیشتر این انجمن ها به اهدافی چون بهبود وضعیت مدارس، زمین بازی و اجرای قوانین می پردازند. در بیشتر موارد انجمن های داوطلبانه محلی با دولت و سازمان های اداری-تجاری همکاری دارند. در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم مشارکت فعال مردم در انجمن های داوطلبانه، مسئله مشارکت در امور محلی دچار مشکل است. به همین دلیل، گسترش، تقویت و ترغیب مردم در مشارکت برای اداره محله هاست؛ بنابراین، نیاز به مشارکت در اداره اجتماع محلی جدی است (معمار، ۱۳۹۰).

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه می باشد. جامعه آماری تحقیق ۵۰ نفر از میان ساکنان ۱۵-۶۵ سال محله برج قربان همدان می باشند. روش نمونه گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته است. در پژوهش حاضر به منظور دسترسی به علل و عوامل مؤثر در شکل گیری تعاملات اجتماعی از پرسشنامه ای با ۲۶ گویه به صورت پنج درجه ای (خیلی کم تا بسیار زیاد) به گویه ها پاسخ داده می شود. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. روش آزمون و بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از آماره استیونند (t)، همبستگی و رگرسیون می باشد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه که به محله برج قربان معروف است در رینگ دوم شهر همدان قرار دارد. این سایت به واسطه قرارگیری برج قربان در آن به عنوان محدوده‌ای تاریخی شناسایی شده و در نقشه‌ها نیز با این عنوان مطرح می‌گردد. این محدوده با خیابان تختی، خیابان طالقانی، بلوار مدنی و خیابان پانزده فروردین محصور می‌گردد و میدان بوعلی سینا و فلکه فردوسی به عنوان دو رأس سایت و چهارراه تختی و تقاطع بلوار پانزده فروردین با خیابان طالقانی نیز به عنوان دو رأس دیگر سایت قابل مشاهده می‌باشد. این سایت دارای جمعیت ۴۰۳۷ نفر و مساحتی حدود ۲۵۰۰۰۰ مترمربع می‌باشد. این محدوده دارای طول شمالی ۴۶۵ متر و طول جنوبی ۷۷۲ متر و نیز عرض شرقی ۲۵۶ متر و عرض غربی ۵۵۳ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱ - تعامل اجتماعی در این محله در سطح پایینی است.

میانگین پاسخ‌های مربوط به تعامل اجتماعی ۲/۶۶ است که با استفاده از آزمون t تک گروهی با میانگین مورد انتظار ۳ مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

جدول ۱- وضعیت تعامل اجتماعی ساکنین

متغیر مورد مطالعه	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد انتظار	t	Df	sig
تعامل اجتماعی	۵۰	۲/۶۶	۳	-۱/۹۲	۴۹	۰/۰۶۱

با توجه به داده‌های مندرج در جدول ۱، ($t = -۱/۹۲$ و $sig = ۰/۰۶۱$) که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین پاسخ‌ها با میانگین مورد انتظار وجود ندارد بنابراین میزان تعامل اجتماعی ساکنین در حد متوسط است.

فرضیه ۲ - وضعیت امکانات رفاهی در سطح مناسبی قرار ندارد.

میانگین پاسخ‌ها در زمینه خرده مقیاس‌های امکانات رفاهی (امنیت، اوقات فراغت، نشاط و سرگرمی، احساس هویت، کیفیت محیط شهری، فضاهای فرهنگی، رضایتمندی و گردشگری) محاسبه شده است و با استفاده از آزمون t تک گروهی با میانگین مورد انتظار ۳ مورد مقایسه قرار می‌گیرد، داده‌های مربوطه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- وضعیت امکانات رفاهی ساکنین

متغیرهای مورد مطالعه	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد انتظار	t	df	sig
امنیت	۵۰	۳/۹۴	۳	۶/۹۵	۴۹	۰/۰۰۰۱
اوقات فراغت	۵۰	۱/۸۴	۳	-۸/۴	۴۹	۰/۰۰۰۱
نشاط و سرگرمی	۵۰	۳/۳۹	۳	۳/۲۱	۴۹	۰/۰۰۲
احساس هویت	۵۰	۳/۴۲	۳	۳/۴۹	۴۹	۰/۰۰۱
کیفیت محیط شهری	۵۰	۲/۵۸	۳	-۴/۱۳	۴۹	۰/۰۰۰۱
فضاهای فرهنگی	۵۰	۲/۸۶	۳	-۱/۱۲	۴۹	۰/۲۷
رضایتمندی	۵۰	۲/۷	۳	-۲/۷۹	۴۹	۰/۰۰۷
گردشگری	۵۰	۲/۴۹	۳	-۴/۱۳	۴۹	۰/۰۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول ۲، مقادیر آماری آزمون در مورد وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت به ترتیب ($\bar{x}=۳/۹۴$ و $t=۶/۹۵$ و $sig=۰/۰۰۰۱$)، ($\bar{x}=۳/۳۹$ و $t=۳/۲۱$ و $sig=۰/۰۰۲$) و ($\bar{x}=۳/۴۲$ و $t=۳/۴۹$ و $sig=۰/۰۰۰۱$) می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین به دست آمده این متغیرها با میانگین مورد انتظار یعنی ۳ وجود دارد و میانگین به دست آمده پاسخ‌ها از میانگین آزمون بیشتر می‌باشد یعنی وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت ساکنین محل بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

مقادیر آماری آزمون در مورد اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری به ترتیب ($\bar{x}=۱/۸۴$ و $t=-۸/۴$ و $sig=۰/۰۰۰۱$)، ($\bar{x}=۲/۵۸$ و $t=-۴/۱۳$ و $sig=۰/۰۰۰۱$)، ($\bar{x}=۲/۷$ و $t=-۲/۷۹$ و $sig=۰/۰۰۷$) و ($\bar{x}=۲/۴۹$ و $t=-۴/۱۳$ و $sig=۰/۰۰۰۱$)

می‌باشد که نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین میانگین متغیرهای مورد مطالعه با میانگین مورد انتظار وجود دارد و میانگین‌های به دست آمده کمتر از میانگین مورد انتظار است؛ بنابراین وضعیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری ساکنین محل پایین‌تر از حد متوسط است.

مقادیر آماری آزمون در مورد متغیر فضاهای فرهنگی ($t = -1/12$ و $\text{sig} = 0/26$) می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین به دست آمده پاسخ‌ها یعنی $2/86$ با میانگین مورد انتظار وجود ندارد؛ بنابراین وضعیت فضاهای فرهنگی محل مورد مطالعه در حد متوسط می‌باشد.

فرضیه ۳- بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی ساکنین از ماتریس همبستگی استفاده شده است، جدول ۳ نتایج تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی ساکنین

متغیرهای مورد مطالعه	شاخص‌های آماری	تعامل اجتماعی
امنیت	ضریب همبستگی	-0/085
	معناداری	0/56
	تعداد	50
نشاط اجتماعی	ضریب همبستگی	-0/19
	معناداری	0/17
	تعداد	50
احساس هویت	ضریب همبستگی	0/092
	معناداری	0/53
	تعداد	50
اوقات فراغت	ضریب همبستگی	0/088
	معناداری	0/54
	تعداد	50
کیفیت محیط شهری	ضریب همبستگی	0/35
	معناداری	0/014
	تعداد	50
فضاهای فرهنگی	ضریب همبستگی	0/32
	معناداری	0/022
	تعداد	50
رضایتمندی	ضریب همبستگی	0/45
	معناداری	0/001
	تعداد	50
گردشگری	ضریب همبستگی	0/27
	معناداری	0/057
	تعداد	50

در راستای پاسخگویی به فرضیه سوم پژوهش نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۳ نشان داده است که از بین متغیرهای مورد مطالعه، کیفیت محیط شهری، فضاهای فرهنگی و رضایتمندی با تعامل اجتماعی ساکنین رابطه معنادار مثبت دارند. مقادیر آماری آزمون به ترتیب ($\text{sig} = 0/14$ و $r = 0/35$)، ($\text{sig} = 0/32$ و $r = 0/22$)، ($\text{sig} = 0/45$ و $r = 0/01$)، است.

فرضیه ۴. امکانات رفاهی توان افزایش تعامل اجتماعی ساکنین را دارند.

برای بررسی این فرضیه از نتایج تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۴- فهرست متغیرهای وارد شده در تحلیل متغیرهای امکانات رفاهی بر تعامل اجتماعی ساکنین

متغیرهای پیش‌بینی وارد شده	متغیر ملاک	روش
رضایت‌مندی	تعامل اجتماعی	گام‌به‌گام

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که فقط متغیر رضایت‌مندی وارد تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام شده است.

جدول ۵- خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای امکانات رفاهی بر تعامل اجتماعی ساکنین

متغیر	R	R ^۲	AR ^۲	SE
رضایت‌مندی	۰/۴۵	۰/۲	۰/۱۸	۱/۱۳

در راستای پاسخگویی به این فرضیه پژوهش نتایج مجذور تعدیل شده ضریب همبستگی پیرسون چندگانه نشان می‌دهد که بر پایه این مدل رضایت‌مندی ۰/۱۸ درصد از واریانس تعامل اجتماعی ساکنین را تبیین می‌کند بنابراین می‌توان گفت، رضایت‌مندی توان تبیین تعامل اجتماعی ساکنین را دارد.

جدول ۶- خلاصه تحلیل واریانس برای آزمون معناداری مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی و ملاک

منبع تغییرات	S.S	d.f	M.S	F	P
رگرسیون	۱۵/۴۶	۱	۱۵/۴۶		
باقی‌مانده	۶۱/۷۶	۴۸	۱/۲۹	۱۲/۰۱۸	۰/۰۰۱
کل	۷۷/۲۲	۴۹			

** P < ۰/۰۱

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بر پایه این مدل رضایت‌مندی ($F(1,49) = 12/018 < P 0/01$)؛ به‌طور معناداری توانایی پیش‌بینی تعامل اجتماعی ساکنین را دارند.

جدول ۷- ضرایب رگرسیون پیش‌بینی (رضایت‌مندی) تعامل اجتماعی ساکنین

ضریب	B	SE	Beta	t	P
ثابت	۰/۶۶	۰/۵۹		۱/۱	۰/۲۷
رضایت‌مندی	۰/۷۴	۰/۲۱	۰/۴۵	۳/۴۷	۰/۰۰۱

** P < ۰/۰۱

نتایج جدول ۷، با ملاحظه وزن استاندارد شده بنا بر پایه این مدل نشان می‌دهد که یک انحراف معیار تغییر رضایت‌مندی باعث ۰/۴۵ انحراف معیار تغییر در تعامل اجتماعی ساکنین می‌شود.

از این رو طبق مدل دوم معادله پیش‌بینی کننده تعامل اجتماعی ساکنین را می‌توان این‌گونه نوشت:

$$y' = a + b_1x_1$$

در معادله مذکور:

$$y' = \text{پیش‌بینی تعامل اجتماعی ساکنین؛}$$

$$a = \text{ضریب ثابت که مقدار آن } 0/66 \text{ است.}$$

$$b_1 = \text{ضریب رضایت‌مندی که مقدار آن } 0/74 \text{ است.}$$

$$x_1 = \text{نمره رضایت‌مندی است.}$$

نتیجه گیری

این پژوهش باهدف شناسایی عوامل مؤثر در تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین محلات مسکونی صورت گرفته است و نهایتاً سعی شد عوامل مؤثر بر ارتقا تعاملات معرفی گردد. همان‌طور که به آن اشاره شد صاحب‌نظران در زمینه تعامل اجتماعی بر نقش فضاهای عمومی در ایجاد تعاملات سالم تأکید می‌کنند و بر این باورند که بیش از هر عامل دیگری حضور سایر افراد در فضا است که مردم را به خود جذب می‌کند. از طرفی جنبه‌های اجتماعی و فعالیت جاری در کنار ابعاد شکلی و زیبایی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی شناخته شده است. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی عبارت‌اند از قلمرو، ازدحام، خلوت، حس تعلق، امنیت اجتماعی - محیطی، حس مکان، اجتماع‌پذیری فضا، اعتماد اجتماعی، مشارکتی بودن فضا، مراسم مذهبی، طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی، وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق در محله، فاصله دسترسی و نوع و میزان مراجعه ساکنین از منابع مختلف استخراج شد. در مطالعه حاضر در سطح محله برج قربان تعامل اجتماعی ساکنین در سطح متوسطی قرار داشته و وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت ساکنین محل بالاتر از حد متوسط است وضعیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری ساکنین محل پایین‌تر از حد متوسط است. با افزایش امنیت، کیفیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری و افزایش رضایتمندی می‌توان تعامل اجتماعی را افزایش داد. با تعبیه یک پارک و یا فرهنگ‌سرا به‌راحتی می‌توان شاهد افزایش تعامل در سطح محله باشیم همچنین برای افزایش صنعت توریسم و گردشگری باید تبلیغات مناسبی در سطح شهر انجام گردد و برنامه‌های گردشگری و توریستی برای افزایش بازدید از این محله تاریخی تعبیه گردد.

منابع

- الیاس زاده مقدم، س.ن. و ضابطیان، ا. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، ۴۳-۵۶.
- رفیعیان، م. و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، ۵۳، ۲۲۷-۲۴۸.
- غفوریان، م. و حصاری، ا. (۱۳۹۳). بررسی نقش مرکز محلات برافزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ نمونه موردی مرکز محله کوتی بوشهر.
- قنبران، ع. و جعفری، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی نمونه موردی: محله درکه تهران. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵۷، ۵۷-۶۴.
- کاشانی جو، خ. (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. نشریه هویت شهر، سال چهارم، ۶، ۹۵-۱۰۶.
- مسعودی، ک. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی شهری جایگاه تعامل اجتماعی. نشریه شهرداری‌ها، سال سوم، ۲۶.
- معمار، ث. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای. مجله مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، ۷، ۱۱۰-۱۳۳.
- Lelevrier, Ch. (2013). Social mix neighbourhood policies and social interaction: The experience of new renewal developments in France. *Cities*, 35, 409-416.